

ترددیدی نیست که ما نباید همه کانالهای ارتباطی خود را به سه کشور محدود کنیم اگر چه آنها تاثیر بیشتری دارند اما اتحادیه اروپا به خصوص در حوزه اقتصادی محصور به اینها نیست



کماکان بین حکومتی است و دولت‌ها تصمیم گیرند نه کمیسیون یا پارلمان اروپایی و این نوعی عدم توازن بین اقتصاد با سیاست و امنیت در اتحادیه اروپا ایجاد کرده است.

در حوزه اقتصادی اروپا به صورت یک بلوک واحد عمل می‌کند اما به طور کامل این گونه نیست و نمی‌توان گفت ایالات متحده اروپا یا حتی فدراسیون یا کنفدران هم نیست.

در درون اتحادیه اروپا هم بلوک‌های مختلفی وجود دارد مثل کشورهای اروپا گرا و آتلانتیک گرا، به خصوص در بخش‌های امنیتی که اروپا گرایان دنبال استقلال بیشتر از آمریکا هستند و در مقابل آتلانتیک گرایان وجود دارند که طرفدار قدرت ناتو و به آمریکا گرایش بیشتری دارند که این مسئله خود فرصت‌هایی ایجاد می‌کند و نمی‌توان گفت اروپا کاملاً متحد عمل می‌کند. همچنین کشورهای جنوب و شمال اروپا هم هست که میزان توسعه یافتگی در جنوب کمتر از شمال اروپاست، حتی اخیراً یک شکاف شرق و غرب هم با پیوستن کشورهای اروپای شرقی ایجاد شده است.

با پیوستن کشورهای اروپای شرقی به اروپا آتلانتیک گرایی تقویت شده است که این نفوذ آمریکا را در اتحادیه بیشتر می‌کند.

بنابراین یک رقابت درون گروهی در اتحادیه اروپا وجود دارد که در حوزه سیاسی بیشتر و در اقتصادی کمتر است.

و به این معنی نیست که در سطح دو جانبه نمی‌توان کارکرد، به خصوص در شرایط عادی که بسیار راحت‌تر از شرایط تحریم است. بنابراین ترددیدی نیست که ما نباید همه کانالهای ارتباطی خود را به سه کشور محدود کنیم اگر چه آنها تاثیر بیشتری دارند اما اتحادیه اروپا به خصوص در حوزه اقتصادی محصور به اینها نیست.

در بحث اقتصادی ما باید از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم و دو جانبه، چند جانبه یا حتی با بلوک‌های درون اتحادیه می‌شود کانال‌های ارتباطی متعددی داشته باشیم و همه کانال‌ها را به سه کشور محدود نکنیم. از مهمترین شاخص‌های سیاست خارجی متوازن هم همین استفاده کردن از همه

سفر هیات فرانسوی شاهد اظهار نگرانی و اعتراض آمریکایی‌ها هستیم و نشان می‌دهد که این فرصت‌های پیش رو نیاز متقابل است و می‌تواند زمینه‌های عملی را بیشتر کند.

**در تعامل با اروپایی‌ها با یک بلوک واحد روبه‌رو هستیم یا این‌که می‌توانیم**

**حوزه نفوذمان را در تک تک کشورهای عضو این اتحادیه به اقتضای هر کشور گسترش بدهیم؟ آیا در تعامل با اروپا محدود کردن خود به تروئیکای آلمان، فرانسه و انگلیس نوعی غفلت از**

**ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در دیگر کشورهای اروپایی نیست؟**

اولاً اتحادیه اروپا یک بازیگر بین‌المللی منحصر به فرد است. در برخی حوزه‌ها مثل اقتصاد از طرف کمیسیون اقتصادی اروپا یک دست عمل می‌کند اما در حوزه‌هایی مثل سیاست خارجی و دفاعی، اتحادیه اروپا

اروپا به خاورمیانه و حضور سنتی در این منطقه بوده است. اروپایی‌ها از طریق ایران می‌توانند نقش مثبتی در خاورمیانه ایفا کنند و اگر شریک استراتژیک نباشند دنبال شریک با ثبات برای نقش آفرینی در خاورمیانه هستند و نکته دیگر مشکلات مالی اروپاست که عادی سازی روابط با ایران می‌تواند در جهت رفع بخشی از این مشکلات کمک کند به خصوص کشورهای مثل اسپانیا و یونان و ... که بیشتر درگیر چنین مشکلاتی هستند علاقه بیشتری دارند. از طرف دیگر ایران هم می‌تواند از اروپا برای تامین منافع خودش استفاده کند به خصوص که حداقل سه کشور در ۵+۱ هستند و در پیشبرد یا توقف مذاکرات نقش مهمی دارند. همچنین گسترش روابط با اروپا می‌تواند به شکاف بیشتر در ساختار تحریم‌ها کمک کند. اگر چه کار ساده‌ای نیست اما در همین